

## تأثیر ایدئولوژی میرزای نائینی در تحولات مذهبی عصر مشروطه

فاطمه حسین خراسانی<sup>۱</sup>  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴  
امیر تیمور رفیعی<sup>۲</sup>  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳  
سیدحسن قریشی<sup>۳</sup>  
سیداصغر محمود آبادی<sup>۴</sup>

### چکیده

سلاطین قاجار درصدد آن بودند تا با القاء سایه خدا بودن خود در زمین، سال‌ها در پوشش مذهب، جان و مال و سرزمین مردم را به نام دفاع از مذهب، ملک شخصی خود تلقی کنند. علمای مشروطه خواه همچون نائینی با تکیه بر عناصر عقل، اصول فقه، قرآن و سنت، به اجتهاد در مفاهیم جدید گفتمان غربی در قالب نظام مشروطه پرداختند تا سازگاری کیش شیعه را با مفاهیم عقلی و تناسب شرع را با بعضی از اصول عقلی گفتمان غربی مانند آزادی، برابری، پارلمان، اکثریت آراء، رفرااندوم و نظایر آن نشان دهند؛ بنا بر این، تحولات تفکر دینی بر جنبش مشروطه حاکم شد و دولت مدرن بر پایه آموزه‌های دینی در ایران شکل گرفت و توسط رهبران روحانی چون علامه نائینی تثبیت شد میرزای نائینی با حمایت از نهضت مشروطه الگوی شکل حکومت را برای جلوگیری از استبداد قاجار، طراحی کرد. او استبداد دینی-مذهبی را خطرناک‌تر از استبداد برآمده از دربار تشریح کرد. او بر این باور بود که با قانون‌گذاری، مشارکت مردم و شورا، می‌توان از توانایی مذهب در عرصه سیاسی و اجتماعی رونمایی کرد. جستار حاضر در پژوهشی توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیر گذاری افکار نائینی می‌پردازد. ایشان با تفکیک مفهوم آزادی از رهایی، در مقابل کسانی که آزادی را در تعارض با مذهب می‌پنداشتند این تحول را رقم زد که تصور دین و مذهب بدون آزادی، جفا به مذهب و برداشت نادرست از دین است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میرزای نائینی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: [naimh.khorasani@yahoo.com](mailto:naimh.khorasani@yahoo.com)

۲. استاد یار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول): [amirteymourrafiei@yahoo.com](mailto:amirteymourrafiei@yahoo.com)

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور، ایران، تهران: [shqourishi@gmail.com](mailto:shqourishi@gmail.com)

۴. استاد گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: [asqarmahmoodabadi@yahoo.com](mailto:asqarmahmoodabadi@yahoo.com)

با طرح اصل مساوات که احکام و قوانین برای فقیر و غنی، رعیت و ارباب باید به تساوی اجرا شود، بانی تحول دیگری در عصر مشروطه شد.

**کلیدواژه‌ها:** میرزای نائینی، استبداد دینی، آزادی، قانون‌گذاری، مساوات.

## مقدمه و بیان مسئله

از دیر باز که بشر زندگی را آغاز کرد و زندگی اجتماعی شکل گرفت. همواره انسان در پی نیازهای خود بود. در این میان خداوند با ارسال پیامبران مختلف و تشریح قوانین همواره هدایت بشر را مدنظر قرار داد. واضح است اگر مکتبی نتواند به سؤالات و نیازهای گوناگون فکری و روحی و جسمی انسان پاسخ دهد، امید چندانی برای بقا نخواهد داشت؛ بنا بر این، نقش و جایگاه دین در پاسخگویی به نیازهای انسان، بسی شایان اهمیت است.

تحول مذهبی به معنای تغییر در ارکان و ماهیت مذهب نیست؛ بلکه تحول در مؤلفه‌هایی مانند: تأثیر بزرگان مذهب در قالب هدایتگری و مدیریت دینی و مذهبی جامعه است. تغییراتی که در ساختار و سازمان‌های مذهبی به وجود می‌آید، عموماً مناقشات عالمان مذهب با حاکمان جامعه را به همراه دارد که در بین پیروان مذاهب مختلف رخ می‌دهد.

علامه میرزا حسین نائینی مثال عینی عالمان دلسوز شیعه است که عمده نگرانی او، تهدیدات دینی و مذهبی سلطه‌گران بریتانیا، روس و قاجار بود. از این سبب اهتمام میرزا تغییر حکومت از سلطنت به مشروطه بود و از این موضوع به عنوان تنها راه حل نجات کشور و حفظ امت اسلامی از سلطه اجانب یاد می‌کرد. اثر گران سنگ نائینی به نام «تنبیه الامه و تنزیه المله» در راستای اصلاح حکومت به شیوه اسلامی نگاشته شد تا در آن تهدید حکومت سلطنتی قاجار برای اسلام گوشزد و اصول مشروطیت اسلامی تبیین شود.

تا کنون کارهای علمی زیادی انجام شده ولی تأثیرات نقش میرزای نائینی در تغییر سلطنت استبدادی قاجاریه به نظام مشروطه و دگرگونی‌هایی که در ساختار و نهاد های مذهبی و هم‌چنین در جهت دهی به نقش مردم اشاره کرد. در نوشته پیش رو سعی شده است که به بیان اهم تأثیرات علامه نائینی در تحولات مذهبی عصر مشروطه پرداخته شود.

## هدف و پرسش تحقیق

از آنجا که هدف اصلی میرزا، صیانت از دیانت و مذهب مردم با محدود ساختن قدرت مطلقه پادشاهان قاجار بود، این سؤال مطرح می‌شود که میرزا از چه برنامه و روشی برای تحقق چنین انگیزه‌ای برخوردار بود؟

آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد پاسخ به این پرسش است که میرزای نائینی چه تأثیری بر تحولات مذهبی عصر مشروطه داشته است؟

## پیشینه تحقیق

در باب پیشینه پژوهش حاضر، اگر چه مقالات و نگاه‌های متعدد مانند: ۱. اندیشه سیاسی علامه نائینی، نوشته عبدالحسین خسرو پناه؛ ۲. میرزای نائینی و ولایت‌فقیه، نوشته مصطفی غفاری؛ ۳. نوع حکومت از دیدگاه نائینی، نوشته جلال میرزایی؛ ۴. علامه میرزا محمدحسین نائینی و دفاع از حکومت مشروطه نوشته حسین رفیع و ....، در رابطه با اندیشه‌های نائینی به رشته تحریر درآمده است؛ اما تأثیرات و نقش وی در تحولات مذهبی مفعول واقع شده است. در نوشته پیش رو سعی شده است که به بیان اهم تأثیرات علامه نائینی در تحولات مذهبی عصر مشروطه پرداخته شود.

تا آنجا که پایگاه‌های علمی معتبر بررسی شد، هیچ کتاب یا مقاله‌ای که همپوشانی با موضوع جستار فرارو داشته باشد، مشاهده نشد. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مقالات موجود این است که تاکنون هیچ پژوهشی حول آرای این فقیه متفکر، برجسته و دلسوز صورت نپذیرفته است.

## مفاهیم پژوهش

اساساً وقتی از تحول مذهبی سخن می‌گوییم، باید به این مسئله توجه داشته باشیم که منظور از تحول مذهبی نه تغییر در ارکان و ماهیت مذهب بلکه تحول در متغیرهایی مانند: نقش بزرگان مذهب که نقش جهت‌دهی در میان مردم دارند، دگرگونی‌هایی که در ساختار و نهادهای مذهبی به وجود می‌آید، تعارضات علما با حاکمان جامعه یا احياناً تعارضاتی است که در بین پیروان

مذاهب مختلف در یک منطقه جغرافیایی روی می‌دهد و همچنین سایر مسائلی از این دست است. برای روشن‌تر شدن ابعاد دگرگونی‌ها در این سطوح از مذهب و همچنین ارتباط این تغییرات با حوادث آتی، سعی می‌شود موضوعاتی نظیر نقش علمای تراز اول در تحولات مذهبی این دوره و نوع روابط آنها با دربار قاجاری، عناصر و قشرهای مردمی حامی قیام‌های اجتماعی، موضع دولتمردان قاجار در برابر حوادث این دوره مورد مطالعه قرار گرفته و در مجموع تحلیل مناسبی از تحولات مذهبی در دوره مورد بحث به عمل بیاید. نمونه بارز این علما آیت الله میرزا حسین نائینی است.

## روش پژوهش

تحقیق حاضر مانند اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در حیطه علوم انسانی از نوع توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و میراث روایی و منابع مکتوب تاریخی شکل یافته است که همراه با شناسایی منابع و مآخذ لازم، مطالعه و بررسی آنها تطبیق و فیش برداری، طبقه بندی و مرتب شده و به نگارش در می‌آید. تحقیق توصیفی - تحلیلی شامل مجموعه روش‌های است که هدف آنها توصیف و تحلیل شرایط با پدیده‌های مورد بررسی است. شایان ذکر است که اجرای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌تواند منجر به شناخت دقیق مسئله پژوهش و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد.

## یافته‌های تحقیق

قبل از پرداختن به نقش میرزای نائینی در تغییرات مذهبی در دوره مشروطه باید به بررسی وضعیت مذهبی دوران مشروطه پردازیم و سپس بررسی کنیک آیا تحول مذهبی به معنای تغییر در ارکان و ماهیت مذهب است؟ میرزای نائینی چه ایدئولوژی برای تحول مذهبی در عصر مشروطه داشت؟ شناخت وضعیت مذهبی عصر مشروطه متوقف بر شناخت وضعیت مذهبی قبل از مشروطه است. وضعیت مذهبی قبل از مشروطیت به گونه‌ای بود که در تفکرات سیاسی عالمان شیعه، نقشی برای مردم و مشارکت مردم در حکومت اتخاذ نگردیده بود و از بحث حاکمیت ملی

خبری نبود. از سوی دیگر ترویج خرافه‌پرستی در بین مردم توسط قاجار، انتظار مردم از مذهب را محدود ساخته بود، به‌عنوان نمونه حاج سیاح تاریخ‌نگار می‌نویسد: (چون ایران از علم و فلسفه و صنعت و کار خالی است و مردم نمی‌خواهند با کار و زحمت نان بخورند یا به مقامی برسند، هر کس به ایشان بگوید اگر فلان ورد یا دعا را بخوانی یا ختم بگیری، یا فلان پول را با فلان قلندر بدهی یا مبلغی به کیمیاگری خرج کنی، به مقصود می‌رسی، اغلب عقب این خرافات می‌روند و تعبد را پیشه کرده و تقلید را گردن گرفته‌اند؛ یکی به دعوی علم، یکی به دعوی مستجاب‌الدعوه بودن، یکی به دعوی سحر یا شعبده... مردم را تابع کرده می‌دوشتند، آنچه نیست علم و صنعت و فهم و حقیقت و بیان نکات قانون... و برادری و مهربانی و اخوت است) (سیاح، ۱۳۶۴: ۸۴).

از آنجا که سلاطین قاجار معمولاً خرافی بودند، این امر باعث شده بود تا جایگاه عملی و کارآمدی مذهب در بین مردم تنزل پیدا کند. مردم تمام مشکلات موجود را به قضا و قدر نسبت می‌دادند و به این طریق با توسل به اوهام و خیالات و انجام اموری غیراخلاقی خود را تسکین می‌دادند. چنین معتقدات خرافی در دیدگاه‌های مذهبی مردم نیز نقش داشت و به تدریج رنگ مذهبی به خود گرفت. نوشتن دعا به روی پوست تخم‌مرغ و یا آویختن طلسم، اعتقاد به جن و پری و جادو، اعتقاد به جن بودن گربه سیاه نمونه‌ای از معتقدات خرافی ایرانیان بود (شمیم، ۱۳۸۸: ۳۷۳).

سیاست عملی قاجار در رابطه با علمای مذهب، سیاستی دوگانه بود. از یک سو شاه وانمود می‌کرد آنان را تأیید می‌کند و از سوی دیگر روحانیون را از قدرت دور نگه می‌داشت (مارتین، ۱۳۹۰: ۳۰).

در میان علمای مشروطه خواه بیشترین تلاش در جهت سازگاری مذهب تشیع با مفاهیم و مؤلفه‌های حکومتی مغرب زمین نظیر عناصر فرهنگ غیرخودی در شکل‌گیری حکومت مانند تفکیک قوا، مساوات، آزادی، مجلس، با فرهنگ خودی عجین شد و تحولات بزرگی در تفکرات دینی مشروطه خواهان به وجود آورد و دولت مدرن بر اساس آموزه‌های دینی در ایران شکل گرفت. که متناسب با مقتضیات زمان و مطابق با شریعت بود. در واقع نقش علامه نائینی در این اثناء این بود که اندیشه‌های سیاسی شیعه را با مبانی دموکراسی غربی از قبیل تفکیک قوا، مساوات، آزادی، مجلس تحلیل نموده و به آن مشروعیت بخشید. در واقع علامه نائینی چهره تطابق و تساهل مذهب شیعه را در مواجهه با تمدن‌های دیگر به نمایش گذاشت. در اثر اقدامات

و عملکردهای واقع‌گرایانه و روشنفکرانه علمای واقع‌گرایان چون علامه نائینی بود که تحولات تفکر دینی بر جنبش مشروطه حاکم شد و دولت مدرن بر پایه آموزه‌های دینی در ایران شکل گرفت و توسط رهبران روحانی چون علامه نائینی تثبیت شد.

ویلم فلور تاریخ‌پژوه، در ترسیم عملکرد قاجار معتقد بود پادشاهان قاجار با تمسک به دو عامل مهم سعی داشتند تا حقانیت خود را اثبات کنند؛ نخست با انتساب خویش به اعقاب شاهان صفوی و دیگر با اعطای رشوه به اشکال گوناگون مانند واگذاری زمین به صورت مستقیم و غیرمستقیم به برخی علما، هدف خود را پیش می‌بردند. (فلور، ۱۳۶۵: ۲۳/۲)

علی‌رغم وقایع فوق با ورود تفکرات و اندیشه‌های نوین غربی مانند مجلس، آزادی، قانون و نظایر آن، که توسط روشنفکران و سیاحان خارجی و سران درباری وارد ایران شده بود، مسائل جدیدی در مورد توانایی مذهب، بحث حکومت و مبنای مشروعیت آن و نقش مردم در سیر تفکرات علمای شیعه به وجود آمد. وقوع چنین حوادث باعث شد تا عالمانی چون علامه نائینی که حصون مذهبند، از حیثیت و نقش مذهب دفاع کنند و با پیشنهاد و حمایت از مشروطه، علاوه بر کاهش ظلم و ستم وارده بر مردم، شبهات علیه مذهب که ناظر بر عدم کارایی آن در حوزه سیاسی اجتماعی بود، پاسخ گویند. (شوستر، ۱۳۸۶: ۲۴۵)

### تحولات میرزای نائینی در عصر مشروطه

توجه عالمان مذهب، نسبت به مؤلفه‌هایی چون عقل‌گرایی، آزادی‌خواهی، حقوق اساسی انسان‌ها و مصادیقی از این نمونه موجب شد تا تاریخ ایران، شاهد شکل‌گیری عصری تازه از اندیشه‌های جدید باشد که به نوعی سبب رویش اندیشه علمای نوگرا گردید. مرحوم نائینی از جمله عالمان نوگرایی بود که نقش مؤثری در شکل‌گیری تفکرات نوین مزبور داشت که از باب اختصار به برخی از آن نوآوری‌ها اشاره می‌شود.

تا قبل از مشروطه نوعی جدایی بین حوزه شرع و عرف، در تفکر سیاسی و دینی علما وجود داشت، حاکمیت فقها در امور شرعی و حاکمیت سلطان در امور فردی؛ اما علامه نائینی بعد از انقلاب مشروطه، دوگانگی حوزه شرع و عرف را کم‌کم به وحدت و یکپارچگی بدل ساخت.

تحول دیگر در زمینه اندیشه سیاسی و دینی تشیع اعم از نظریات و مفاهیم سیاسی و دینی نوین اتفاق افتاد. علامه نائینی که مشروطه طلب بود، با تفسیر نو از مسائل دینی به سراغ آرا و نظریات تازه رفته و تلاش کرد تا آن‌ها را با آرا و نظریات مذهب تطبیق و در نهایت نسخه مذهبی مناسب با نیازهای جامعه خود را ارائه دهد (رسول زاده، ۱۳۷۷: ۵۸).

در اثر اقدامات و عملکردهای واقع‌گرایانه و روشنفکرانه علامه نائینی بود که عناصر فرهنگ بیگانه مانند: تفکیک قوا، مجلس، مساوات، آزادی و ... که از غرب به ایران آمده، بومی‌سازی مذهبی شدند. در نتیجه این فرایند بود که تحولات تفکر دینی بر جنبش مشروطه حاکم شد و دولت مدرن بر پایه آموزه‌های دینی در ایران به وجود آمد (فشاهی، ۱۳۵۴: ۱۶۵).

تا قبل از مشروطیت در بین عالمان مذهب کسی به جدیت مرحوم نائینی به مسئله استبداد دینی نپرداخته بود زیرا نائینی معتقد بود که استبداد دینی - مذهبی مخرب‌تر از استبداد برآمده از دربار قاجار و سلاطین خواهد بود.

### میرزای نائینی و الگوی شکل حکومت در شیعه

تحول نخست نائینی ارائه نسخه شکل حکومت در عصر غیبت، در حمایت از مشروطه و ستم دربار بود. در بین عالمان شیعه این سؤال مطرح بود که نظام سیاسی مطلوب در عصر غیبت کدام است، آیا تشکیل حکومت قبل از ظهور امام عصر (ع) ممکن هست و یا حکومت و دولت مقبول از چه معیاری باید برخوردار باشد؟ آنان تا قبل از مشروطه، به دلیل آنکه تنها حکومت مشروع و قانونی را حکومت امام معصوم (ع) می‌دانستند، پذیرش الزام وجود حکومت را دشوار می‌پنداشتند، به عبارت دیگر نسبت به حکومت، نگرشی آرمانی داشتند؛ ولی بعد از مشروطه نوعی جدایی بین تفکر آرمانی و اندیشه واقعی شکل گرفت و علما بیش از گذشته حقیقت بین و واقع‌گرا شدند.

میرزای نائینی از جمله افرادی بود که ضرورت حکومت در عصر غیبت را لازم بلکه واجب می‌دانست؛ اما معتقد بود که حکومت سلطنتی، غیر مشروع است. از منظر او حکومت‌ها به لحاظ شیوه حاکمیت و تصرف به دودسته تقسیم می‌شوند:

۱. حکومت تملیکیه: «در این نوع حکومت، حاکم قدرت مطلقه دارد»؛



۲. حکومت ولایتیه: «حکومتی که قدرت حاکم محدود است و حکومت همچون امانتی است در دست حاکم».

نائینی به دنبال پیاده‌سازی حکومت ولایتیه در عصر غیبت بود او نوع دوم را سلطنت مقیده، محدوده، عادلانه، مشروطه و مسئوله یا دستوریه نامید. (نائینی، ۱۳۶۴: ۱۲-۹)

میرزا با بررسی متون فقهی مذهب به این نتیجه رسید که شکل حکومتی قاجار و دیگر پادشاهان، به دلیل اغتصاب حقوق ثلاثه ذیل غیر مشروع است:

۱. اغتصاب حق الله: نائینی باور داشت که پادشاهان و سلاطین به دلیل تصرف و گمان اینکه سلطنت از آن خود ایشان است و تبلیغ شاهان قاجار مبنی بر اینکه ایشان سایه خدا بر زمینند به نوعی شأن و جایگاه خداوند را غصب کرده‌اند.

۲. اغتصاب حق معصوم (ع): نائینی با تکیه بر آموزه‌های شیعی معتقد بود که حکومت به معصوم (ع) و یا کسی که از جانب معصوم معرفی شود تعلق دارد و سلاطین به دلیل عدم عصمت و عدم انتصاب از سوی معصوم، غاصب به شمار می‌روند.

۳. اغتصاب حق الناس: باور دیگر نائینی این بود از آنجا که حکومت‌ها بویژه قاجار مستبدانه عمل می‌کند و ثمره استبداد ظلم و ستم و تعدی به حقوق مردم است؛ از این رو آنان غاصبند (نائینی، ۱۳۶۴: ۶۶).

دلیل میرزای نائینی در طرفداری و حمایت از مشروطه این بود از آنجا که مشروطه از سه حق غصب شده فوق، تنها یک حق آن هم حق معصوم را در ظاهر غصب می‌کند، فساد مزبور را با حکمرانی نواب عام معصوم (ع) که در مسیر پیاده‌سازی آموزه‌های سیاسی اجتماعی اسلام هست به کمترین میزان کاهش می‌دهد که در نتیجه ایده‌ال‌ترین شکل و الگوی حکومت در عصر غیبت، با ولایت نواب امام عصر «ارواحنا فداه» یعنی فقیهان و مجتهدان رقم خواهد خورد.

در نگاه نائینی جامعه عاری از حکمران در واقع جامعه‌ای خالی از نظم، صلح و دادگری و به عبارت دیگر علیل محسوب می‌شود؛ بنا بر این، میرزا در پاسخ به سوال فوق معتقد بود که حکومت مطلوب در عصر غیبت، دارای وظایفی است که تکالیف آن از اهم امور حسبیه به شمار رفته؛ بلکه متکفل دو وظیفه اصلی است: یکی وظایف داخلی؛ مانند احقاق حقوق افراد و تربیت مردم و دیگری تهیه امکانات دفاعی برای حفاظت از مداخلات بیگانگان، که از آن به حفظ وطن تعبیر

می شود؛ بنا بر این، نائینی برای اول بار به نقش مردم در حکومت به صورت اساسی پرداخت و به بحث شورا اهمیت ویژه بخشید و با حمایت از نظریه مشروطه در تلاش بود تا این امر مهم تحقق یابد (نائینی، ۱۳۶۴: ۷).

### میرزای نائینی و استبداد دینی

تحول دیگر میرزای نائینی، آسیب شناسی مسئله استبداد دینی - مذهبی بود. علامه نائینی این جسارت را به خرج داد تا در بین علما و روحانیون از استبداد دینی به عنوان مهمترین چالش موجود در جامعه شیعی سخن گوید. شاید بتوان گفت که برای اولین بار نظریه استبداد دینی در بین عالمان مذهب از سوی علامه نائینی مطرح شد؛ بلکه علت طرح این مسئله به جهت مخالفت با تفکر کسانی بود که به مبارزات مردم علیه استبداد، بدبین و آن را مغایر شرع می پنداشتند، و این مخالفت تا جایی پیش می رفت که خواسته یا ناخواسته برخی اقدامات آنان با علامه نائینی و همفکران او، به نفع دستگاه قاجار «محمد علی شاه» تمام می شد.

میرزا معتقد بود اگرچه بخش عظیمی از مصائب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی عصر مذکور، متوجه بی کفایتی شاهان قاجار است؛ اما مهمتر از عملکرد بد قاجار، مشکلات دینی - مذهبی مردم است که بخش قابل توجه آن متوجه مستبدان دینی - مذهبی است. مرحوم نائینی معتقد بود گردن نهادن به ارادت دل بخوانه سلاطین جور با گردن نهادن به تحکیمات خود سرانه رؤسای مذاهب و ملل که به عنوان دیانت و مذهب ارائه می شود، به طور یکسان هر دو قبیح بلکه هر دو عبودیت به شمار می رود. میرزا استبداد قسم اول را (گردن نهادن به ارادت دل بخوانه سلاطین جور) به قهر تغلب مستند دانسته و استبداد قسم دوم را (گردن نهادن به تحکیمات خودسرانه رؤسای مذاهب) مبتنی بر خدعه و تدلیس می داند (نائینی، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷).

نائینی مسئله استبداد دینی را خطرناکتر و دشوارتر از استبداد سیاسی می دانست و در این رابطه می نگارد:

«و معلوم شد که قلع این شجره خبیثه و تخلص از این رقیب خبیثه که وسیله آن فقط به التفات و تنبه ملت منحصر است، در قسم اول «استبداد سیاسی» اسهل و در قسم دوم «استبداد دینی» در غایت صعوبت و بالتبع موجب صعوبت علاج قسم اول خواهد بود» (نائینی، ۱۳۶۴: ۲۶-۲۷).

وی علاج‌رهایی از هرج و مرج مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در چاره‌جویی استبداد دینی می‌داند و در همین رابطه می‌نویسد:

«اصعب و اشکل همه و در حدود امتناع، علاج شعبه استبداد دینی است.» (نائینی، ۱۳۶۴: ۱۲۵).

در نتیجه اگر نظریه استبداد دینی از سوی نائینی مطرح شد، به این دلیل بود که:

اولاً: برای مبارزه با اندیشه کسانی بود که با سنگ اندازی و مخالفت خود با مشروطه، مبارزه مردم علیه ظلم و ستم شاهنشاهی را به انحراف و خلاف شرع متهم می‌ساختند؛

ثانیاً: تلنگر به کسانی که اطاعت بی‌چون و چرای مردم را دست‌آویز رسیدن به منافع فردی و حزبی خود قرار داده بودند؛

ثالثاً: گره زدن مجموعه مباحث آزادی، مساوات، قانون‌گذاری، تفکیک قوا و ... با استبداد دینی به این معنا که باید مسائل را بر اساس مقتضیات زمان خود تفسیر کرد نه بر اساس تحجر و جمود مذهبی.

### میرزای نائینی و قانون‌گذاری

از دیگر نوآوری‌های مرحوم نائینی این بود که نظریه مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان از سوی وی با جدیت دنبال می‌شد. این اتفاق به این معنا بود که برای نخستین بار در تاریخ ایران قدرت مطلقه پادشاهان به وسیله مجلس و قانون‌گذاری محدود می‌شد؛ از این رو مخالفین مشروطه اصرار داشتند که موافقین مشروطیت به ویژه علامه نائینی می‌بایست برای مشروع بودن دخالت مردم در رأی‌گیری و تصویب قانون، دلیل اقامه کنند.

در بین دیدگاه‌های موجود دو نظریه برجسته شد، یکی نظریه شیخ فضل‌الله نوری و دیگری نظریه میرزای نائینی.

شیخ فضل‌الله نوری در بحث قانون و قانون‌گذاری به مخالفت برخاست و در این رابطه می‌نویسد:

«بهترین قوانین، قانون الهی است ... و بحمدالله ما طایفه امامیه بهترین و کامل‌ترین قوانین الهیه را در دست داریم ... معلوم است که این قانون الهی ما مخصوص به عبادات نیست؛ بلکه حکم جمیع مواد سیاسیه را بر وجه اکمل و اوفی داراست ... ؛ بنا بر این، ما ابداً محتاج به جعل قانون نخواهیم بود؛ بلکه اگر کسی را گمان آن باشد که ممکن و صحیح است جماعتی از عقلا و حکما

و سیاسیین جمع شوند و به شورا و ترتیب قانونی بدهند که جامع این دو جهت باشد و موافق رضای خالق هم باشد لابد آن کس از رقبه اسلام خارج خواهد بود (نوری، ۱۳۶۲؛ ۵۷).

در مقابل شیخ شهید، مرحوم نائینی از مهمترین وظایف نمایندگان را قانون گذاری می داند و در تبیین قلمرو آن احکام اولیه و ثانویه را به منصوصات و غیرمنصوصات تقسیم می کند. نائینی در رابطه با منصوصات که حکم آن در شریعت روشن است بر این باور بود که نیاز به قانون گذاری نیست؛ اما در غیر منصوصات آنچه حکمش در شریعت نیامده، حاکم باید به تناسب جامعه، راه حل و قانون مناسب با آن وضع کند.

نائینی باور داشت که قانون گذاری از جمله وظایف نایبان امام عصر در عصر غیبت است و در حال حاضر این امر تنها از طریق مجلس امکان پذیر است و مجلسی که به امضای مجتهدان رسیده باشد، تردیدی در مشروع بودن آن نخواهد بود (نائینی، ۱۳۶۴: ۵۷-۵۸).

علامه نائینی یک تنه در برابر هجمه های سنگین تبلیغاتی مبلغان، موافقان و معتقدان قاجار و آن دسته از عالمان مذهب که او را ملزم به ارائه دلیل می کردند به اختصار جواب می دهد: اولاً: تدوین قانون و قانون گذاری یک استلزام عقلی است و جایز بلکه واجب بودن آن از بدیهیات است و در مقوله بدعت و تشریح داخل نیست.

ثانیاً: با تمسک به قرآن روشن می شود که پیروی از حکم حاکم واجب است «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» و قوانین مصوب مشمول حکم حاکم است.

ثالثاً: تدوین قانون اساسی و قانون گذاری توسط مجلس از این قرار است که هر چند در شرع حکمی برای تدوین قانون اساسی نیامده؛ اما چون حفظ نظام واجب و جلوگیری از ستم و غصب غاصب لازم است؛ بنا بر این، تدوین قانون اساسی برای این مقصود لازم است (نائینی، ۱۳۶۴: ۷۴-۷۵ و ۹۹).

رابعاً: با نگاه به سیره پیامبر در جنگ احد و احزاب و سیره امیرالمؤمنین در صفین، مشروعیت رأی اکثریت در جامعه و نیاز به قانون گذاری روشن می شود (نائینی، ۱۳۶۴: ۷۹-۸۱).

علامه نائینی پس از ارائه ادله فوق، نسبت به برخی علمای مذهب که دیدگاه وی را به دلایل گوناگون نمی پذیرفتند، معتقد بود که اگر ایشان به فرض اینکه عقیده ای به سلطنت قاجار نداشته باشند و حکومت آنان را حتی از باب تقیه و اضطرار پذیرفته باشند، تنها به دلیل مخالفت با

مشروطه و پیروان آن خواسته یا ناخواسته در پازل مستبدان و مظلوم کُشان قرار گرفته و با شبهه تراشی و مغالطه به نفع سیاستمداران سلطه گر و پشت کردن به سیره عقلا در صف سلطه گران قرار خواهند گرفت (نائینی، ۱۳۶۴: ۱۲۵).

### میرزای نائینی و اصل مساوات

اصل مساوات از جمله قوانین متمم قانون اساسی عصر مشروطه بود که در اصل هشتم آن در نظر گرفته شده بود. در بین عالمان مشروطه نظرات متعددی پیرامون مسئله مساوات وجود داشت؛ که از بین آنها، نظریه شیخ فضل الله نوری و میرزای نائینی نمود بیشتری پیدا کرد. شیخ فضل الله و میرزای نائینی در ارائه موضوع مزبور از دو دیدگاه کاملاً متفاوت بهره می‌جستند. شیخ فضل الله بر این گمان بود که مراد از اصل مساوات در نزد مشروطه یعنی یکسان سازی در تمامی احکام اعم از بالغ و غیر بالغ، ممیز و غیر ممیز، عاقل و مجنون و ...؛ از این رو در مکتوبات خود می‌نویسد: «یکی از مواد آن در ضلالت نامه این است که افراد مملکت متساوی الحقوق اند ... حال ای برادر دینی! تأمل در احکام اسلامی که چه مقدار تفاوت گذاشت بین موضوعات مکلفین در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسات از بالغ و غیر بالغ، ممیز و غیر ممیز، عاقل و مجنون، صحیح و مریض، مختار و مضطر و ...» (نوری: ۵۷).

اما میرزای نائینی که اساساً اصل مساوات را از پایه‌های حکومت اسلامی می‌دانست، در پاسخ به شیخ شهید می‌نگارد:

«و اما مساوات در قوا و حقوق و سایر نوعیات را ... به صورت مساوات مسلمین با اهل ذمه در ابواب توارث و تناکح و قصاص و دیاتش درآوردند و بلکه مساوات اصناف مکلفین مانند بالغ، عاقل، مجنون، صحیح، مریض، مختار، مضطر، موسر، معسر، قادر و عاجز الی غیر ذلک؛ از آنچه اختلاف آنها منشأ اختلاف تکالیف و احکام و به داستان مشروطیت و استبداد از فلک اطلس ابعاد است، هم عرض مقتضیاتش شمرده اند» (نائینی، ۱۳۶۴: ۳۷).

مرحوم نائینی با زیر سؤال بردن تعریف مساوات به معنای یکسان بودن مردم در تمام احکام و حدود، در صدد تبیین مخالفت تعریف مذکور با اسلام، بلکه با هر نظام اجتماعی در هر آیین و مسلک بر آمده است. وی معتقد بود مساواتی که اساس ادیان به خصوص شریعت اسلام است، این است که احکام و قوانین نسبت به مصادیق هر موضوع و عنوانی به تساوی اجرا شود. احکام

سرقت، قتل و به طور کلی احکام قضایی بر هر کس اجرا شود. آن مساواتی که عالمان ربانی می‌خواهند همان است که پیغمبر خدا (ص) و اوصیای گرامش می‌فرمودند: حد خدا را در باره جگر گوشه‌های خود بی‌درنگ اجرا می‌کنیم. از نگاه مرحوم نائینی اساس عدالت و روح تمام قوانین سیاسی عبارت است از این مساوات بوده و قیام ضرورت دین اسلام بر عدم جواز تخطی از آن از بدیهیات است (نائینی، ۱۳۶۴: ۶۷-۷۰).

دیدگاه مرحوم نائینی در مسئله مساوات را می‌توان این گونه برآورد کرد:

اولاً: تعریف و نگاه نائینی نسبت به کسانی که حکومت بر اساس تساوی را نمی‌پسندند، رجحان دارد همان گونه که امروزه برخی متفکران شیعی بر این باورند که «به استناد اینکه انسانیت درجه یک و درجه دو نداریم، نمی‌توانیم نتیجه بگیریم که تابعیت یا به عبارت دیگر شهروندی هم درجه یک و دو ندارد. هر کشوری برای تابعین خود شرایط خاص قائل است. در اسلام هم شرایط خاص در نظر گرفته شده است.» (مصباح یزدی: ۱/ ۳۱۷ و ۳۰۴).

در حالی که دیگر متفکران همانند مرحوم نائینی معتقدند در نظام اسلامی برای عمل به قوانین، بهره‌مندی از امکانات و رعایت حقوق فردی، اجتماعی و حدود الهی نباید بین اشخاص، هیچ گونه امتیاز خاص وجود داشته باشد و اصل این است که هیچ گونه امتیاز مادی، شغلی، فامیلی، اسمی و عنوانی وجود ندارد و بر این اساس، رهبر، مسئولان، رؤسای کشور و آحاد مردم، همه در برابر قانون یکسانند» (خامنه‌ای: ۲).

ثانیاً: مرحوم نائینی به فراخور عصر خویش و قانون اساسی وقت، از اصل مساوات دفاع کرد؛ اما باید دقت داشت که مسئله مساوات در عهد مشروطه، مسئله اجماعی همه مشروطه خواهان نبود. زیرا برخی عالمان همچون سید عبدالله بهبهانی که از روحانیون پیشرو مشروطه بود، به سبب اینکه مساوات را معارض با آموزه‌های اسلامی می‌دانست، سخت مخالفت می‌ورزیده است، زیرا او استدلال کرد که یهودی و مسلمان نباید دارای حقوق مساوی باشند.

ثالثاً: از هنر مرحوم نائینی آن بود که به مساوات، منشأ دینی بخشید به عبارت دیگر مساوات را بومی سازی کرد؛ زیرا او معتقد بود که قانون مساوات مأخوذ از اسلام و عدالت است.

رابعاً: نوآوری دیگر نائینی آن بود که تلاش کند تا برابری در مقابل قانون را به همراهی عرف با شرع سامان بخشد، از این رو می‌نویسد: «مثلاً مدعی علیه، وضعی باشد یا شریف، جاهل باشد یا

عالم، کافر باشد یا مسلم به محاکمه احضار و قاتل، سارق و زانی و ... هر که باشد حکم شرعی صادر از حاکم شرع نافذ الحکومه بر او اجرا شود و تحصیل بردار نباشد» (نائینی ۱۳۶۴: ۶۹).

### میرزای نائینی و تفکیک مفهوم آزادی از رهایی

تحول و نوآوری دیگری که مرحوم نائینی دنبال کرد، مسئله آزادی دینی و مذهبی بود. در بین مذهبی‌های سنتی و موافقین قاجار شایع شد که مشروطیت بنا دارد آزادی به ارمغان آورد؛ اما باتوجه به اینکه آزادی همراه دیگر مصطلحات وارداتی از غرب به ایران آمده بود در نتیجه خلط بین مفهوم آزادی و رهایی در بین سنتی‌ها شکل گرفت. آنها کلمه آزادی را به معنای منفی آن یعنی رهایی از هر قید و بندی می‌پنداشتند.

بار دیگر در بین دیدگاه‌های موافق و مخالف همچون دیگر مسائل، نظریه شیخ شهید و میرزای نائینی پررنگ بود. شیخ فضل‌الله و پیروانش با اصل آزادی مخالف بوده و آن را معارض با مذهب می‌دانستند، در همین رابطه شیخ فضل‌الله می‌نویسد:

«ای برادر عزیز! اگر مقصودشان اجرای قانون الهی بود و فایده مشروطیت حفظ احکام اسلامی بود، چرا خواستند اساس او را بر مساوات و حریت قرار دهند که هر یک از این دو اصل، نماینده قانون الهی است. زیرا قوام اسلام به عبودیت است نه به آزادی و بنای احکام آن به تفریق و جمع مختلفات است نه مساوات ...؛ ای برادر عزیز! مگر نمی‌دانی که آزادی قلم و زبان از جهات کثیر منافی با قانون الهی است. مگر نمی‌دانی فایده آن، آن است که بتوانند فرقی ملحد و زندیق نشر کلمات کفرآمیز خود را بر منابر و لوايح بدهند و سب مؤمنین و تهمت به آنها بزنند و إلقاء شبهات در قلوب صافی عوام بیچاره نمایند (نوری، ۱۳۶۲: ۵۹-۶۰).

نائینی در مقابل مخالفین معتقد بود که حقیقت آزادی که انبیا و اوصیا پیشوای آن بودند با آزادی به معنای رهایی که شامل بی بندوباری و زیر پا گذاردن حدود دین است کاملاً در جهت مخالف یکدیگرند، از این جهت در پاسخ به شیخ فضل‌الله به صورت طعنه می‌نگارد: «ما ظالم پرستان هم چنان روزگاری را که آزادی از این اسارت و رقیت را لامذهبی و یا از دعوت زنداقه و ملاحده بایه لعنهم الله تعالی جلوه می‌دادیم و مشروطیت دولت جائره دین و مذهبی در مقابل شریعت حقه به خرج می‌آوردیم و مسلمانان را به تمکین از این رقیت ملعون وادار و به ازای این حسن

خدمت، تیول و رسوم و جایزه و انعام‌ها می‌گرفتیم. بعد از این مگر در خواب ببینیم (نائینی)، ۱۳۶۴: ۶۶).

نائینی در برابر این پاسخ که متعلق آزادی چیست به عبارت دیگر از چه چیزی باید آزاد شد، معتقد بود که مراد از آزادی، آزادی از ظلم و ستم دیگران است یعنی آزادی از حکام جور، نه اینکه نسبت به بندگی و تسلیم در برابر خدا و قوانین و حدود او آزاد باشد، تعبیر میرزا این است: «پس البته حقیقت تبدیل نحوه سلطنت غاصب جائر عبارت از تحصیل آزادی از این اسارت و رقیت است و تمام منازعات و مشاجرات واقع فی مابین هر ملت با حکومت تملیکی خودش، بر همین مطلب خواهد بود، نه از برای رفع ید از احکام دین و مقتضیات مذهب.» (نائینی، ۱۳۶۴: ۶۴).

با توضیحات فوق به دست آمد که دو برداشت متفاوت از مفهوم آزادی در بین عالمان شیعه وجود داشت، یکی برداشت ظاهری از مفهوم که همان معنای منفی آن یعنی بی بندوباری و رهایی از تقید به دین و مذهب؛ دیگری برداشت علامه نائینی یعنی آزادی از ظلم و ستم سلاطین و سرسپردگی محض از ایشان است (شیخ قرشی، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

ممکن است به ذهن خواننده خطور کند بحث آزادی از منظر نائینی نسبت به مباحث امروز جامعه نمی‌تواند از خیلی مسایل گره‌گشایی کند، در پاسخ بیان می‌شود: باید دقت داشت که اگر عصر نائینی قابل درک باشد در یک نگاه همدلانه خواهیم پذیرفت که سخن گفتن از آزادی آن هم در عصری که آزادی در مقابل استبداد آن هم از نوع استبداد دینی اظهار نظر می‌شود و مفهوم آزادی خیلی راحت با مفهوم رهایی خلط می‌شود و بسیاری از اهل علم معنای ظاهری آن را به معنای منفی آن حمل می‌کنند، جسارت و درک عمیق نائینی از مسایل را می‌رساند و این اقدام ایشان قابل تمجید و تحسین است.

خلاصه اینکه نائینی به نوعی درصدد بیان این مطلب بود که مفهوم آزادی در مذهب به معنی لامذهبی و پشت کردن به آموزه‌های دینی و خروج از حدود شرعی آن نیست؛ بلکه آزادی مورد نظر مذهب به معنای پایبندی به اصول و رهایی از بند ظلم، جور، سلطه‌گری و ... است (نائینی، ۱۳۶۴: ۶۴).



## میرزای نائینی و تفکیک قوا

از مهمترین ارکان مشروطه در زمینه تشکیل حکومت تفکیک قوای سه گانه مقننه، قضائیه و مجریه از یکدیگر است. دلیل این امر ممانعت از تمرکز قدرت در دست یک شخص یا اشخاصی محدود و تقسیم آن در مجاری گوناگون است و نتیجه آن جلوگیری از خودسری و استبداد رأی است.

علامه نائینی نیز به طرفداری از این اصل یعنی تفکیک قوا می‌پردازد و آن را نه تنها یکی از مبانی تحول در اندیشه دینی مشروطه خواهی، بلکه اساسی ترین رکن نظام اسلامی تلقی می‌کند. از نظر او تفکیک قوا را یکی از عوامل مهم برای جلوگیری از استبداد می‌توان برشمرد. ما در اینجا عینا کلام وی را می‌آوریم. وی در این خصوص می‌نویسد:

«محاسبه و مسئولیت کامله در صورتی متحقق و حافظ محدودیت و مانع از تبدیل ولایت به مالکیت تواند بود که قاطبه متصدیان که قوه اجرائیه‌اند در تحت نظارت و مسئول هیئت مبعوثان و آنان هم در تحت مراقبه مسئول آحاد ملت باشند. فتور در هر یک از این دو مسئولیت موجب بطلان محدودیت و تبدیل حقیقت ولایت و امانت به همان تحکیم و استبداد متصدیان خواهد بود.» (نائینی، ۱۳۶۴: ۱۵).

## نتیجه گیری

روحانیت شیعه در زمان قاجار به اوج قدرت خود رسیده بودند و این اقتدار هر روز بیشتر و بیشتر می‌شد. هدف اصلی قاجار جدایی میان دین و سلطنت بود با انسجام بین آنها و توده‌های مردم نتیجه داد. از آنجا که آنان در بین توده‌ها دارای منزلت اجتماعی بالایی بودند؛ توانستند بر افکار و اندیشه‌های دینی مردم تأثیر بگذارند؛ چرا که از دیدگاه مردم آنان به منزله مرشد و راهنما در مسایل دینی و احکام اسلامی تلقی می‌شدند و مردم تابع آنان بودند. و این تبعیت در تمام مسایل دینی در واقع تقلید بود که خود یکی از اصول مهم مذهب تلقی می‌شد. و همین امر یکی از عوامل تقویت روحانیت محسوب می‌شد و همین عامل یعنی پشتوانه مذهبی مردم برای حکام و سلاطین قاجار به مثابه تهدید بزرگی به شمار می‌رفت.

طبیعی بود در چنین اوضاع و احوالی روحانیون با نفوذ در بین توده‌ها و شکل دادن به اندیشه‌های مذهبی مردم در جهت اطاعت و فرمانبرداری از دستورات خداوند و مشارکت در مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه خود بسیار موفق بودند. و این موفقیت به پشتوانه توده مردم موجبات تعارض بین علما و حکام را به وجود آورد.

البته ناگفته نماند با همه این نفوذ و پشتوانه مردمی روحانیت باز هم شاهد تداوم نفوذ بیگانگان در این مرز و بوم بودیم امری که نهایتاً به سقوط حکومت قاجار انجامید. در این پژوهش برای روشن تر شدن ابعاد موضوع در سطوح تحولات مذهب موضوعاتی نظیر نقش علمای تراز اول در تحولات مذهبی این دوره و نوع روابط آنها با دربار قاجاری با تاکید بر اندیشه‌های علامه نائینی، مورد مطالعه قرار گرفت و در مجموع تحلیل مناسبی از تحولات مذهبی در دوره مورد بحث به عمل آمد.

با بررسی‌های صورت گرفته به دست آمد که در بین فقیهان و عالمان شیعه نسبت به توان و تأثیر مذهب در عصر غیبت، رویکردهای گوناگون در مسائل سیاسی - اجتماعی وجود داشته است که مرحوم نائینی با تألیف کتاب «التنبیه الامه و تنزیه المله» برخی نگرش‌ها را منعکس ساخته است. دغدغه میرزا در کتاب مزبور حکایت از آن دارد که عمده نگرانی او تهدید دینت و مذهب توسط سلطه گران بریتانیا و روس و ایادی آنان در داخل بود. او تنها راه نجات را در تغییر حکومت از سلطنت به مشروطه دیده بود. نائینی معتقد بود که با احقاق حقوق افراد و تربیت مردم و تهیه امکانات دفاعی برای حفاظت از مداخلات بیگانگان که از ارکان مشروطه به شمار می‌رود، به طرز چشم گیری فساد کاهش می‌یابد. در باور نائینی نسبت به غیرمنصوصات یعنی آنچه حکمش در شریعت نیامده، باید راه حل و قانون مناسب با آن وضع شود. او مشکل استبداد دینی را خطرناک تر از استبداد قاجار تبیین کرده بود و مقوله آزادی در چارچوب شرع را نه تنها مغایر با مذهب نمی‌دانست؛ بلکه یکی از اصیل ترین آموزه‌های دینی ذکر می‌کرد. نائینی در تلاش بود تا بسیاری از تبعیضات و فاصله‌ها را با پیاده سازی اصل مساوات سامان ببخشد از این رو عزم خود را جزم کرد تا احکام و قوانین برای فقیر و غنی، رعیت و ارباب به تساوی اجرا شود.

## فهرست منابع

قرآن کریم

رسول‌زاده، محمد امین، (۱۳۷۷)، گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران؛ ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: شیرازه.

زارعی، محمدابراهیم، نقش و تأثیر آیات قرآنی بر آرایه پرداززی در مسجد- نمونه موردی مسجد و مدرسه دارالاحسان، مجله نگارینه هنر اسلامی، بی تا.

زرگرنژاد، غلامحسین، (۱۳۷۷)، رسائل مشروطیت (۱۸ رساله و لایحه درباره مشروطه)، تهران، انتشارات کویر.

سنندجی، میرزا شکرالله، (۱۳۷۵)، تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، تحقیق: حشمت الله طبیبی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

سیاح، محمدعلی، (۱۳۶۴)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، مصحح سیف الله گلکار، تهران، نشر امیرکبیر.

شمیم، علی اصغر، (۱۳۸۸)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، نشر زریاب، چاپ پنجم.

شیخ قرشی، فرهاد، (۱۳۸۰)، نقش علمای شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شوستر، مورگان، (۱۳۸۶)، اختناق در ایران، ترجمه حسین افشار، تهران، نشر ماهی.

فشاهی، محمدرضا، (۱۳۵۴)، تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، تهران: گوتنبرگ.

فلور، ویلم، (۱۳۶۵)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.

کواکبی، عبدالرحمن، (۱۳۶۳)، طبایع الاسناد، عبدالحسین میرزای قاجار، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مارتین، ونسا، (۱۳۹۰)، عهد قاجار، ترجمه: حسن زنگنه، تهران، نشر ماهی.

موریه، جیمز ژوستینین، (۱۳۸۶)، سفرنامه جیمز موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس، بی تا.

نائینی، محمد حسین، (۱۳۶۴)، *تنبيه الامه و تنزيه المله*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

نوری، فضل الله، (۱۳۶۲)، *رسائل، اعلامیه ها و ... شیخ شهید، جمع آوری: محمد ترکمان*، چاپ اول، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، *نظریه سیاسی اسلام*، تهران، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم.

خامنه‌ای، علی، (۱۳۸۱)، *روزنامه صبح امروز*، ۲۳ دی ماه ۱۳۷۷.

\_\_\_\_\_، (۱۳۸۱)، *روزنامه رسالت*، ۲۰ شهریور ماه.